

بررسی باستان‌شناختی قلاع قهستان

فیروز مهجور^۱

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

ستار خالیدیان

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران

(از ص ۱۴۱ تا ۱۵۸)

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۰۲

چکیده:

قهستان منطقه‌ای است در جنوب شرقی خراسان، شامل شهرستان‌های کاشمر، طبس، فردوس، بیرجند، قاین، تربت حیدریه، خواف، گناباد و تایباد که از جانب شمال به نیشابور و سبزوار، از غرب به بیابان مرکزی، از جنوب به سیستان و کرمان و از طرف شرق به دشت ناامید در افغانستان کنونی محدود است. آنچه این ناحیه را از سایر نقاط ایران جدا می‌کند، غیر از ویژگی‌های جغرافیایی و اقلیمی، وجود تعداد زیادی قلعه است. در این مقاله از یک طرف، جهت شناخت پهنه فرهنگی قهستان و قلاع موجود در آن، با استفاده از متون، اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی تاریخی آن مورد مطالعه قرار گرفته و از طرف دیگر، به منظور فهم حوزه کارکرد قلاع، به عنوان پایگاه‌های مهم نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به بررسی میدانی قلاع و تحلیل موقعیت قرارگیری و پراکنش آنها در ارتباط با محیط پیرامونشان پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: قهستان، خراسان، قلعه، اسماعیلیان، راه.

۱. نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: fmahjour@ut.ac.ir

مقدمه

قهبستان، منطقه‌ای است واقع در جنوب شرقی خراسان و شامل شهرستان‌های کاشمر، طبس، فردوس (تون)، بیرجند، قاین، تربت حیدریه، خواف، گناباد و تایباد که از جانب شمال به نیشابور و سبزوار، از غرب به بیابان مرکزی، از جنوب به سیستان و کرمان و از طرف شرق به دشت ناامید در افغانستان کنونی محدود است. (تصویر شماره ۱)

آنچه این ناحیه را از سایر نقاط ایران جدا می‌کند، علاوه بر ویژگی‌های جغرافیایی و اقلیمی، تعداد زیادی قلعه است که از شمال تا جنوب این ناحیه بنا شده است. این تعداد قلعه را که بسیاری از آنها تا حد زیادی سالم مانده اند، در جای دیگری نمی‌توان یافت (خالدیان، ۱۳۸۹: ۳).

با توجه به اهمیت قهبستان در خراسان بزرگ و تأثیرگذاری آن در دوره‌های مختلف بر رویدادهای شرق ایران؛ تأثیرگذاری قلاع قهبستان بر تحولات تاریخی آنجا و اهمیت و کارکرد آنها در دوره‌های مختلف؛ حضور گسترده‌ی اسماعیلیان در آن منطقه و تسلط آنها بر شمار قابل توجهی از آن قلاع و اهمیت فراوان قلعه‌های مذکور در اعتلا و پیشرفت اسماعیلیان؛ وجود یک شبکه‌ی ارتباطی و راه‌های کاروان‌روی مهم در منطقه که حجم قابل توجهی از مبادلات تجاری از طریق آنها صورت می‌گرفته است؛ وضعیت خاص جغرافیایی و دور از دسترس بودن منطقه از قدیم‌الایام تاکنون و عدم انجام پژوهش‌های هدفمند در مورد قهبستان و قلعه‌های آن، به ویژه عدم انجام پژوهش‌های باستان‌شناسی دقیق در قهبستان، بررسی باستان‌شناختی قلعه‌های مذکور، اهمیت زیادی دارد.

لذا در جهت فهم چگونگی کارکرد قلاع به عنوان پایگاه مهم دفاعی، نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در منطقه‌ی قهبستان به بررسی چند جانبه‌ی جغرافیایی، تاریخی، باستان‌شناسی و زبان‌شناسی قهبستان و قلاع آن پرداخته شده است و بر اساس آنها سعی در شناخت ارتباط متقابل قلاع قهبستان با محیط پیرامونشان، در ادوار و در سطوح مختلف شده است. بدین معنی که پس از بررسی متون تاریخی و جغرافیایی و انجام پژوهش‌های دقیق باستان‌شناسی در تعدادی از قلاع قهبستان، سعی شد حوزه‌های کارکردی قلاع مذکور تعیین گردد.

در پایان، ارتباط متقابل آن قلاع با محیط پیرامونشان و عوامل تأثیرگذار در پیدایش آنها بررسی شده و تأثیر این قلاع در اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی قهبستان مورد بحث قرار گرفته است. همچنین چندین قلعه شناسایی شد و گاهنگاری و تعیین قدمت برخی از قلاع از جمله قلعه‌های فورگ، زری و حسن آباد اصلاح گردید.

باید خاطر نشان کرد در کنار اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و بحث نظامی که در شکل‌گیری بسیاری از قلاع، نقش داشته‌اند، عامل راه نیز تأثیر بسزایی در ساخت، تصرف و بازسازی آنها داشته است. برای اثبات این ادعا با استفاده از داده‌های حاصل از مطالعات تاریخی و جغرافیایی تاریخی و همچنین داده‌های حاصل از بررسی باستان‌شناختی، به ترسیم راه‌های احتمالی قهبستان بر اساس متون و سفرنامه‌ها پرداخته شد و سپس با جاگذاری نقاط GPS قلاع، مشخص شد که اکثر آنها در کنار راه‌ها قرار گرفته‌اند؛ ضمن آنکه الگوی گسترش قلاع نیز با راه‌ها مطابقت کامل دارد.

حضور اسماعیلیان در قهستان:

قهستان دارای ویژگی‌هایی است که در طول تاریخ آن را از سایر مناطق هم‌جوار جدا می‌کند، از آن جمله باید به دورافتاده بودن و به تبع آن به انزوای سیاسی آن اشاره کرد. هرچند این انزوا، کندی حرکت اتفاقات سیاسی و ثبات و جمود بسیاری از سنن و عقاید را در برداشته، در عین حال تا حدودی فرصت مناسبی را برای این پهنه فراهم آورده و آن برکنار ماندن قهستان از جریان حوادث و تحولات و تبدالاتی است که در سایر نقاط ایران، خاصه خراسان شمالی جریان داشته است (دفتری، ۱۳۷۵: ۴۰۲).

اسماعیلیان دارای وجوه مشخصه‌ای بودند که به قیام و دعوتشان الگویی متمایز و روش مبارزه‌ای مشخصی داده بود. آنان به شیوه دارالهیجره‌ای قلاعی را تسخیر و یا احداث می‌نمودند و از آنها به عنوان پایگاه استفاده می‌کردند. از این قلاع که با هم در نقاط کوهستانی و صعب‌العبور یک جامعه واحد و بزرگ را تشکیل می‌دادند، به عنوان مرکز سرپرستی عملیات استفاده می‌کردند. قیام اسماعیلیان دارای الگو و طرح ویژه‌ای بود که با اوضاع و احوال قهستان تناسب کامل داشت و باید آن را در هم‌آرایی و هماهنگی غیر متمرکز جستجو نمود (همان، ۴۰۳).

کم‌اقتدار شدن سلجوقیان پس از مرگ ملکشاه، شرایطی را فراهم آورد که اسماعیلیان بتوانند برای دست پیدا کردن به این سیاست غیر متمرکز و تسلط بر نقاط مختلف، شروع به قلعه‌گیری کنند. آنها همیشه در صدد تسخیر قلاع مختلفی بودند که در قهستان به فراوانی یافت می‌شد. اسماعیلیان قهستان از رئیس واحدی که گاه محتشم نامیده می‌شد و اصولاً در تون یا قاین و یا در قلعه مؤمن آباد در ناحیه بیرجند مستقر بود و از جانب الموت تعیین می‌شد فرمان می‌بردند (همان: ۴۳۵). مناطق تحت تسلط اسماعیلیان، دورافتاده از هم و در عین حال دارای همبستگی و وحدت چشمگیری در امور داخلی و خارجی بودند (دفتری، ۱۳۷۵: ۴۳۵). نشر دعوت اسماعیلیان، نارضایتی مردم و شرایط نامناسب سیاسی و اجتماعی سلجوقیان در این دوره، منجر به گرایش شدید مردم به این فرقه و قیام و تسخیر مناطق مختلفی در ایران و خارج ایران شد که قهستان، از جمله مهم‌ترین این مناطق است (دفتری، ۱۳۷۵: ۳۸۹).

نکته‌ی دیگر در خصوص حضور اسماعیلیان در قهستان است. بعضی‌ها پیشینه‌ی این حضور را مربوط به اواخر قرن ۵ هـ. ق دانسته‌اند؛ چنان که جوینی، آمدن حسین قاینی به سال ۴۸۴ هـ. ق به قهستان و تسخیر قلعه‌ی مومن‌آباد توسط وی را به عنوان اولین جرقه‌های حضور آنها معرفی می‌کند (جوینی، ۷۲ و ۷۳). اما این تاریخ را نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا اسماعیلیان در این زمان آنچنان نیرومند بودند که اولین حرکت نظامی فرقه‌ی مذکور را در ایران رقم زدند و کاروان تجاری را که از کرمان به قاین می‌رفت، مورد حمله قرار دادند (ابن اثیر، ج ۱۷، ۱۳۵۵: ۲۸۷). گذری در منابع این تاریخ را عقب‌تر می‌برد و به حدود سال‌های ۲۶۰ هـ. ق که خلف اولین داعی اسماعیلی در خراسان در نواحی گوزگانان (جوزجانان) و ماوراءالنهر شروع به دعوت مردم کرد، می‌رساند (فرقانی، ۱۳۸۲: ۱۷۸). بعدها نیز در حدود سال ۳۳۰ هـ. ق محمد نسفی، از داعیان اسماعیلی در دربار سامانیان، شروع به تبلیغ نمود و بسیاری از مردم بخارا را به آئین اسماعیلی درآورد (بیهقی، ۱۳۵۶: ۸۵۱). آوازه اسماعیلیان و نشر دعوتشان ظاهراً به گوش قهستانیان نیز رسیده است. اما بسط و گسترش دعوت اسماعیلی در قهستان را باید اندکی پیش‌تر و از دوران سیمجوریان دانست؛ چون در این زمان ابوعلی سیمجور در نیشابور به نام مختصر فاطمی خطبه کرد و نام خلفای عباسی را از خطبه انداخت. بعدها نیز اسماعیلیان در جنگی که میان او و

سبکتکین روی داد، به وی کمک فراوان کردند. (جوزجانی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۱۳). اما اشاعه‌ی آیین اسماعیلی با آمدن «قاضی حسین قاینی» به عنوان داعی قهستان به حدود خراسان به شدت پی گرفته شد. این امر، تجدید دعوت اسماعیلیه در قهستان را در پی داشت و پس از آن بود که اسماعیلیان توانستند دست به حرکات نظامی بزنند (ابن اثیر، ج ۱۷، ۱۳۵۵: ۲۸۷). برای مثال آنان توانستند به سال ۴۸۴ ه. ق دژ دُرّه را در ناحیه‌ی مؤمن آباد تصرف کنند (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۳۸۶). ولی قیام آشکار و تند و تیز اسماعیلیان بر علیه دولت سلجوقی در الموت در سال ۴۸۳ ه. ق و در قهستان در سال‌های ۴۸۴ ه. ق و ۴۸۵ ه. ق شروع شد. به دنبال پیروزی اسماعیلیان در منطقه دُرّه و تسخیر قلاع محکمی چون مؤمن آباد و طبس مسینا در شرق و شمال، قهستان به صورت پایگاه اصلی آنان درآمد. آنان سپس برای تسلط بر راه مهم بازرگانی شمال به جنوب خراسان که از منطقه‌ی نیه می‌گذشت در سال ۴۸۹ ه. ق نیه را به محاصره درآوردند، اما در نهایت با قبول شکستی سنگین، از آنجا عقب نشینی کردند (همان: ۸۸ - ۳۹۰).

اما اسماعیلیان که همچنان رؤیای فتح قلاع منطقه‌ی نیه را به منظور تسلط بر راه‌های تجاری سیستان و کرمان و نیز بندر قدیمی تیس در مکران در سر می‌پروراندند، توانستند در اواخر قرن پنجم ه. ق قلعه‌ی طبس مسینا در شرق و دژهای کوچک نواحی مجاور و همچنین قلاع دختر را در منطقه مؤمن‌آباد در غرب طبس مسینا و سپس دژهای قاین، خور و خوسب را تصرف کنند و راه‌های مهم تجارتی کرمان و سیستان را تحت تسلط بگیرند. (تصاویر ۳ تا ۵)

تصرف قلعه‌ی مومن‌آباد، فرصتی طلایی در اختیار اسماعیلیان گذاشت و آنان توانستند با استفاده از این موقعیت، سراسر قهستان جنوبی را در دسترس داشته باشند و بتوانند به زودی بر سایر مناطق هم‌جوار از جمله بلوک نهارجان در غرب قهستان مسلط شوند و قلاع مود، سربیشه و قنود را نیز به تصرف درآورند. پس از یک دهه از تصرف قلاع دُرّه، طبس و مؤمن آباد، اسماعیلیان توانستند با توجه به اوضاع آشفته‌ی سیاسی خراسان، شروع به بسط قدرت خود در ناحیه‌ی ترشیز کنند و آنجا را نیز به طور کامل به تصرف در آورند و در آنجا نیز صاحب نفوذ فراوانی شوند (فرقانی، ۱۳۸۱: ۲۱۴-۲۱۵؛ ابن اثیر، ج ۲۰، ۱۳۵۵: ۸۳ و حموی، ج ۳، ۱۳۸۰: ۳۳) (تصاویر شماره ۶ و ۷).

اهمیت ناحیه ترشیز در آن بود که تسخیر آنجا توسط اسماعیلیان و تسلطشان بر منطقه‌ی گناباد که قلاع مهم سرتخت و دُرگان در آن جا قرار داشت، موجب گسترش نفوذ اسماعیلیان در مناطق شمالی چون بیهق شد (حافظ ابرو، ۱۳۶۲: ۲۱۱). این خود فرصت طلایی در اختیار اسماعیلیان قرار داد و آنان توانستند آبادی بیار در نزدیکی دامغان، بر سر راه قدیمی و باستانی ری به خراسان را در تحت اختیار بگیرند و قلعه‌ی میمون دژ را تصرف کنند و نفوذ خود را به گومس گسترش دهند و از آنجا راه‌های اطراف ری را نیز در اختیار گیرند (فرقانی، ۱۳۸۱: ۲۱۷-۲۱۶). گسترش دامنه‌ی نفوذ و سلطه‌ی اسماعیلیان در مناطق مختلف قهستان، دولت سلجوقی را وادار به عکس‌العمل نمود و سلجوقیان در شوال سال ۵۲۱ ه. ق با اعزام دو سپاه به ترشیز و بیهق اسماعیلیان ترشیز را از شمال و جنوب مورد حمله قرار دادند (کاشانی، ۱۳۶۶: ۱۲۴). اما اوضاع آشفته سیاسی و شورش‌ها و عصیان تعدادی از افراد باعث شد تا اسماعیلیان از این آب گل آلود ماهی بگیرند و سعی در گسترش هر چه بیشتر دامنه نفوذ خود در مناطق مختلف کنند؛ هرچند این امر، عکس‌العمل تند بعضی از امرای محلی خراسان و حملات آنها را در پی داشت (بیهقی، ۱۳۵۶: ۲۷۶). چنانچه ذکر شد اسماعیلیان همواره درصدد تقویت مواضع و افزایش توان نظامی خود بودند و از هر فرصتی، حداکثر استفاده را می‌کردند. یکی از

این فرصت‌ها، در سال ۵۴۹ ه. ق بود که اسماعیلیان با هوشیاری و جمع‌آوری سپاه، سعی در تصرف کل خراسان نمودند. البته در این کار ناموفق بودند و شکست خوردند (ابن اثیر، ج ۲۰، ۱۳۵۵: ۲۸۵) و در آینده نیز هیچ‌گاه دیگر موفق به چنین کاری نشدند؛ هرچند در سال‌های بعد نیز لشکرکشی‌های پراکنده‌ای را برای تصرف مناطق مختلف رقم زدند. برای مثال در سال ۵۵۱ ه. ق شهر طبرس را تسخیر نمودند. چند سال پس از این تاریخ، تحولاتی شدید در عقاید اسماعیلیان پدید آمد و در سال ۵۵۹ ه. ق امام وقت، حسن علی ذکر السلام اعلام قیامت کرد (همان، ۶۶)؛ که این اقدام، ناراضی شدن و کوچ تعدادی از اسماعیلیان و حملات شدید عقیدتی نظامی را بر علیه آنان در پی داشت (ابن اثیر، ج ۲۰، ۱۳۵۵: ۲۰۱). آنان تا مدت‌ها به حالت تدافعی درآمدند و از درگیری اجتناب کردند (هاجسن، ۱۳۶۹: ۲۴۱)؛ تا این‌که در دوران سستی و ضعف ملوک سیستان، سعی در بسط دامنه نفوذ خود در سیستان نمودند. سپس در سال ۶۱۷ ه. ق با توجه به حس فرصت طلبی همیشگی و استفاده از اوضاع نابسامان خراسان، در نتیجه‌ی حمله‌ی مغولان قلعه‌ی مهم شاهدژ را در ناحیه نیه خریداری کردند (فرقانی، ۱۳۸۱: ۲۴۴ و ۲۴۶) (تصویر شماره ۸).

تهاجم وحشیانه‌ی مغولان، تخریب بسیاری از شهرهای خراسان را در پی داشت اما قهستان جز در زاوه از این فتنه آسیب چندانی ندید (حسینی، ۱۳۷۵: ۹۳). قهستان بازاری برای بازرگانان و نمایندگان فئودال‌های سالم مانده از قتل عام مغولان بود که برای خرید اجناس به شهرهای این منطقه مسافرت می‌کردند (لوپس، ۱۳۶۳). لازم به ذکر است که ملک رکن‌الدین محمد عثمان مرغنی غوری، به سال ۶۲۷ ه. ق منهای السراج جوزجانی را به هدف بازگشایی راه‌های غرب به شرق فلات ایران که از قهستان عبور می‌کرد به قهستان رهسپار نمود. جوزجانی که در این سفر از قلعه‌های سرسخت و قلعه خوانشیر و قلاع قاین و تون و مومن‌آباد دیدار کرد، شمار قلعه‌های اسماعیلیان را ۱۵۰ قلعه ذکر می‌کند که از این تعداد، ۷۵ قلعه در بلاد قهستان و ۳۵ قلعه در الموت قرار دارند (جوزجانی، ۱۳۷۱: ۲: ۱۸۲). برخی از اسماعیلیان بر این باور بودند که بهترین راه برای مقابله با مغولان، داشتن سیاستی سازگارانه است؛ لذا در زمان جلوس گیوک خان هدایایی برای وی بردند (جوینی، ج ۲: ۲۰۵). اما این سیاست دیری نپایید و مغولان، سعی در یکسره کردن کار اسماعیلیان نمودند و هلاکو در سال ۶۴۹ ه. ق دوباره لشکرکشی کرد که یکی از دلایل آن را باید در درخواست مسلمانان سنی مذهب برای نابودی اسماعیلیان دانست هرچند که برای این حمله دلایل دیگری را نیز باید بر شمرد (هاجسن، ۱۳۶۹: ۳۳۸). قبل از وارد شدن هولاکو به ایران به سال ۶۵۰ ه. ق کیتبوقانویان برای تسخیر قهستان و نبرد با اسماعیلیان اعزام گردید اما وی دستاورد زیادی در این حملات نداشت و عملاً تسخیر قهستان توسط مغولان چندین سال طول کشید تا اینکه هلاکو به سال ۶۵۱ ه. ق به تون و ترشیز و زیرکوه حمله برد و آن مناطق را تسخیر نمود. مغولان سپس قلاعی همچون دژ کمالی، سرتخت و خوانشیر را مورد حمله قرار دادند و پس از قتل عام طبرس مسینا قلعه‌ی مومن‌آباد را تصرف نمودند (فرقانی، ۱۳۸۱: ۲۷۰-۲۷۱). اما پس از اینکه مغولان به علت شکستی که در گردکوه داشتند توجه تام و تمامی به آنجا کردند اسماعیلیان از فرصت استفاده و مجدداً سعی در تسخیر قلاع از دست رفته نمودند اما مغولان دوباره به سمت قهستان لشکر کشی کردند و به محاصره شهرها و قلاع آنجا همت گماردند (هاجسن، ۱۳۶۹: ۳۳۸). البته قبل از این رکن‌الدین خورشاه به تسلیم قلاع ناچار شده و قاصدانی را نیز به قلاع قهستان و دامغان اعزام کرده بود (جوینی، ج ۲: ۲۶۴). به هر حال پس از لشکرکشی

مجدد مغولان مقاومت چشمگیری در مقابل آنان نشد و قهستان به سرعت تصرف شد؛ لذا در سال ۶۵۴ ه. ق ایالت هستان کاملاً تحت تسلط مغولان قرار گرفته بود.

دلایل انتخاب قهستان توسط اسماعیلیان:

انتخاب منطقه قهستان توسط اسماعیلیان و دلیل رشد و نمو سریع آنان و قدرت چشمگیرشان در این منطقه دلایل متعددی دارد.

۱. شرایط اقلیمی و جغرافیایی و منحصر به فرد قهستان: خشکی آب و هوا و نامساعد بودن شرایط اقلیمی و اقتصادی، باعث شکل‌گیری روستاها و شهرهای دور از هم شده بود. در نتیجه مردم آنجا به اقتصادی بسته و خودکفا نایل شده بودند؛ ضمن آنکه در پرتو آن، فرهنگ بومی و آداب و رسومشان نیز دست‌خوش تغییرات اساسی نشده بود.

از طرف دیگر چنین شرایط جغرافیایی، کم‌توجهی اعراب در زمان حمله به قهستان را در پی داشت؛ چنانکه سایکس از کتابی که توسط یکی از پارسیان هند نوشته شده، نقل می‌کند: زرتشتیان در ابتدای امر به قهستان مهاجرت کردند (سایکس، ۱۳۶۳: ۳۱۳)؛ لذا قهستان از زمان ورود اسلام به عنوان پناهگاهی برای زردشتیان درآمده بود و آثار و نشانه‌هایی همچون کشف قبور زرتشتیان و وجود برخی اسامی زرتشتی مؤید حضور زرتشتیان در آنجا است (احمدیان، ۱۳۷۴: ۶۴).

۲. وجود مراکزی با ساکنان شیعه‌ی اسماعیلی و یا دوازده امامی نیز باعث جلب توجه اسماعیلیان به قهستان گردید (ویلی، پیتر، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

۳. گسترش فرهنگ و کیش مانوی در قهستان: به طور کلی وجود پیش‌زمینه‌هایی از برخی ادیان و مذاهب، یکی از عوامل و زمینه‌های مناسب برای رشد نهضت اسماعیلیه بوده است (دفتری، ۱۳۷۵: ۳۸۸).

۴. سیاست تساهل مذهبی سامانیان: عدم سخت‌گیری و سیاست تساهل مذهبی سامانیان در خراسان، نیز یکی از عاملی مهم در این زمینه بوده است (هاجسن، ۱۳۶۹: ۱۶۸).

۵. وجود قلاع متعدد از قبل در منطقه: یکی از مهم‌ترین دلایل انتخاب قهستان توسط اسماعیلیان، وجود تعداد زیادی قلعه در نواحی صعب‌العبور کوهستانی و دورافتاده بوده و اینکه اسماعیلیان با توجه به داشتن دشمنان زیاد می‌توانسته‌اند در آنجا پناه بگیرند (هاجسن، ۱۳۶۹: ۹۹). این ویژگی را در ارتباط با قلعه‌های اسماعیلیان در الموت نیز می‌توان دید (شجاعی، ۱۳۸۲: ۵۳).

۶. شرایط نامناسب منطقه از جهت کشاورزی: این وضعیت که در نتیجه‌ی آن مردم قهستان به صنایع روی آوردند، یکی دیگر از عوامل است؛ چنانچه اگر دیگر مراکز اسماعیلیان را در دامغان و الموت نیز در نظر بگیریم تشابهات چشمگیری را از نظر اقتصادی و اجتماعی بین آنها و قهستان خواهیم یافت.

عوامل مذکور، نظر اسماعیلیان را به سوی خود جلب کرد و آنان برنامه‌های خود را به صورتی جدید، از مراکز دورافتاده و قلاع قهستان شروع کردند و آنجا به عنوان دومین مرکز بزرگ اسماعیلیان در ایران در آمد (حسینی، ۱۳۷۵: ۱۰۵ و ۱۰۶).

ویژگی‌های قلعه‌های اسماعیلی:

۱. **موقعیت سوق الجیشی:** دژهای اسماعیلی به آسانی قابل دفاع و دارای یک موقعیت سوق الجیشی بسیار ویژه بودند. قلاع مذکور در مکان‌هایی دورافتاده برپا می‌شدند تا از دشمنان فراوانی که دائماً آنها را مورد حمله قرار می‌دادند، دور باشند و در ضمن اسماعیلیان بتوانند با اطمینان بیشتری مبارزات و حملات خود را سازماندهی کنند (هاجسن، ۱۳۶۹: ۹۹).

۲. **نظام ارتباطی قوی:** مجتمع قلعه‌های اسماعیلی، در درون این ناحیه‌ی برگزیده، از استعداد و توان پشتیبانی خوبی نسبت به هم، در صورت وقوع حمله‌ی دشمن برخوردار بودند و دارای یک نظام ارتباطی کارآمد، به وسیله‌ی علامت دادن یا وسایل دیگر بودند.

۳. **روش‌های آب‌رسانی پیشرفته:** از آنجا که جمع‌آوری و ذخیره‌سازی آب در قلعه‌ها در رأس امور قرار داشته، اسماعیلیان این مهم را در قلاع خود با شیوه‌های پیشرفته‌ی آب‌رسانی مانند ایجاد آب‌انبار و یا چاه در صخره‌ها حل نموده‌اند.

۴. **خودکفایی منطقه از جهت آب شیرین، کشت و تأمین غذا:** قلعه‌ها در منطقه‌ای انتخاب می‌شدند که از لحاظ آب شیرین خودکفا باشد و کشت غلات چندگانه را اجازه دهد تا از ذخیره‌ی غذایی لازم و منظم برای پادگان قلعه و متعلقان آن اطمینان حاصل شود (ویلی، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

۵. **خودکفایی منطقه از جهت مصالح مورد نیاز:** ناحیه‌ی مزبور می‌بایستی مواد طبیعی کافی، به ویژه چوب و سنگ برای ساختن یا بازسازی و مرمت یک قلعه داشته باشد و حمل و نقل این مواد به سرعت و با کمترین نیروی انسانی میسر باشد.

۶. **نزدیکی به مراکز شیعه نشین:** از شاخصه‌های دیگری که برای قلاع اسماعیلی ذکر شده، نزدیکی آنها به مراکزی با ساکنان شیعه‌ی اسماعیلی و یا دوازده امامی است. ناحیه‌ی مزبور بایستی جماعت زیادی از ساکنانش شیعه به ویژه شیعه‌ی اسماعیلی باشند که با جنبش آنها همدردی نمایند و در صورت لزوم به آنها خدمت و کمک نمایند (ویلی، ۱۳۸۶: ۱۱۰).

۷. **احداث قلاع محافظ:** اسماعیلیان برای محافظت از یک قلعه‌ی مهم، در نزدیکی‌های آن قلاعی می‌ساختند تا در حد امکان از تعرض دشمن به قلعه‌ی اصلی جلوگیری نمایند (ویلی، ۱۳۸۶: ۸۷). بدون تردید تعدادی از قلاع تحت تسلط اسماعیلیان قهستان، در قسمت‌های جنوبی نیز از نقطه نظر نظامی، به قصد جلوگیری از

حمله، توقف و لا اقل به تأخیر انداختن پیشروی قوای دشمن به سوی مرکز بوده است. آنها دژهای کوچک‌تری هستند که شاید برای دیده‌بانی و مراقبت و یا به عنوان مراکزی برای سپاه ذخیره احداث شده‌اند.

بانیان و شیوهی ساخت قلاع اسماعیلیه:

در جهان اسلام ساختمان‌های دفاعی را دولت‌ها می‌ساختند تا شهرهای سوق‌الجیشی و قصبات مرزی را از تهاجم قوای دشمن یا تجاوز طوایف بیابان‌گرد محافظت و در عین حال امنیت داخلی را تأمین نمایند (ویلی، ۱۳۸۶: ۱۳۸). بسیاری از قلاع قهستان قبل از تصرف توسط اسماعیلیان، ساخته شده بودند و در اغلب موارد به هیچ وجه نمی‌توان فهمید که سازندگان اصلی آنها چه کسانی بوده‌اند. در این موارد متون تا حدودی راهگشا خواهد بود. متأسفانه در مورد قلعه‌های این منطقه، تنها به چند قلعه مانند شاهدژ و مومن‌آباد اشاره شده که اسماعیلیان آنها را تصرف کرده‌اند و صحبتی از ساخت آنها همانند میمون دژ و قلعه‌ی گردکوه توسط اسماعیلیان نشده است. البته این احتمال نیز وجود دارد که قلعه‌های مذکور نخست کوچک بوده ولی بعدها توسط آنها بازسازی و یا همانند قلعه‌ی الموت، سعی در استحکام بخشی و غنی کردن منابع تغذیه‌ای آنها شده است.

اینکه اسماعیلیان شیوه ساخت قلاع‌شان را از کجا گرفته‌اند را باید در سنت ساخت این گونه قلاع در ایران پیگیری کرد. برای مثال یاقوت حموی می‌گوید در زمان حمله‌ی اعراب به ایران، مسلمانان در ناحیه‌ی فارس به ۷۳ دژ حمله کردند و بعضی از آنها را از بین بردند تا بدان وسیله آرامش را در آن سرزمین برقرار کنند (حموی، ۱۳۸۰: ۲/۱۷۶). با توجه به مسافرت‌های رهبران اسماعیلی به نقاط مختلف کشور و سایر ممالک، چه بسا آنها ضمن آشنایی با معماری نظامی، مناطقی را که می‌توانسته در آینده به عنوان پایگاه انتخاب شوند را نیز شناسایی کرده‌اند. در این زمینه می‌توان به مسافرت‌های طولانی حسن صباح به شهرهایی مثل اصفهان و نیز از راه آذربایجان به میافارقین و موصل و از راه سنجان به رحبه و بیابان سماوه و غوطه‌ی دمشق و تنیس و مقس که نزدیک قاهره است، اشاره کرد. وی به هنگام بازگشت به ایران نیز مسافرت‌هایی برای پیدا کردن پایگاه و محل استقرار داشت و به احتمال قوی در طول این مدت، طرح‌ها و نقشه‌هایی کشیده است. از جمله-ی این مناطق، یزد و کرمان است. پس از آن به فریم و شهریار کوه رفت و چهار ماه آنجا بماند و پس از آن به خوزستان رفت و سه ماه در آنجا بماند و بعد به دامغان رفت و سه سال در آنجا بماند و در گرگان و چناشک نیز رفت و آمد داشت (ستوده، ۱۳۶۲: ۴-۵). طبیعی است این سفرها این امکان را برای وی فراهم آورد تا بتواند کاملاً با معماری نظامی زمان خود آشنایی پیدا کند. قلعه‌های اسماعیلی، صرف‌نظر از اینکه پادگانی برای سپاهیان بودند، به عنوان یک مقرر فرماندهی محلی و یک مرکز اداری و دینی دعوت اسماعیلی نیز به کار گرفته می‌شدند و در زمان حملات هم به عنوان مأمونی برای روستانشینان مورد استفاده قرار می‌گرفتند. به عنوان مثال قلعه‌های گردکوه و شاهدژ در زمان حمله، مأمون‌گاه ده‌نشینان بوده است (ویلی، ۱۳۸۶: ۱۴۷-۱۴۳). خلاصه آنکه بسیاری از قلاع توسط اسماعیلیان تصرف شده و آنان سازندگان اصلی نبوده‌اند. آنها هنگام ورود به منطقه، شروع به قلعه‌گیری می‌کردند و هر قلعه‌ای را که می‌توانستند تسخیر و سپس سعی در بازسازی آن می‌نمودند. البته در این میان، تنها چند قلعه توجه آنان را بسیار به خود جلب نمود و به عنوان مرکز اداری سیاسی مورد استفاده قرار گرفت. یکی از آنها قلعه‌ی مومن‌آباد است. این قلعه، چنان اهمیت می‌یابد که اعلام

قیامت در قهستان برای بار دوم بعد از الموت در آنجا جشن گرفته می‌شود و داعی وقت در قهستان آنجا را محل اسکان خود قرار می‌دهد. در مورد قلعه‌های قاین، سرتخت، خوانشیر نیز در متون این دوره، به دفعات صحبت شده است.

کارکردهای قلاع و استحکامات قهستان:

در این قسمت کارکردهایی که قلاع می‌توانسته‌اند داشته باشند، به شرح زیر مطرح و مورد ارزیابی قرار می‌گیرند تا روشن گردد چه عامل یا عواملی در شکل‌گیری و پیدایش قلاع تأثیر گذار بوده‌اند.

۱. زندان: یکی از کارکردهای مهمی که برای قلاع می‌توان در متون جست، استفاده از آنها برای نگهداری زندانیان، به ویژه مخالفان حکومتی است.

این کارکرد در نتیجه‌ی ویژگی قرارگیری قلاع در مناطق صعب‌العبور و تقریباً دست‌نیافتنی است؛ زیرا احتمال فرار زندانیان به حد اقل می‌رسید و به راحتی و با تعداد کمی نگهبان، امکان نگهداری آنها فراهم می‌شد. این شاخصه، موجب شد که از گذشته‌های دور به خصوص در دوره‌ی اسلامی قلاع، به ویژه قلاع کوهستانی جایگاه مناسبی برای نگهداری زندانیان باشند (خلعتبری، ۱۳۸۲: ۲۹). برای مثال در دوره‌ی سلطان محمد خوارزمشاه، قلعه سفید فارس، زندان مخالفان اتابکان فارس بود (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۵۳). ابن عربی نیز به زندانی شدن ابن سینا توسط تاج‌الملک اشاره می‌کند (ابن عربی، ۱۳۷۷: ۲۶۳) که در قلعه‌ای در منطقه جبال بوده است. همچنین مسعود سعد سلمان شاعر پرآوازه در زمینه حبسیه، سال‌ها از زندگی خود را در قلاع‌نای، مرنج و هفت سال را در یکی از قلاع ناحیه دهک سپری کرده است (خلعتبری، ۱۳۸۲: ۳۳).

در مورد هیچ یک از قلعه‌های مورد بررسی در این مقاله، متنی که نشانگر استفاده از قلعه به عنوان زندان باشد به دست نیامد؛ اما شاید بتوان با استفاده از کاوش‌های دامنه‌دار باستان‌شناسی در قلاعی همچون فورگ و قاین به آثار و شواهدی دست یافت که دلالت بر چنین کارکردی بنمایند. این احتمال ناشی از آن است که در قلعه فورگ قهستان، شاهد طبقه‌ای دیگر در زیر زمین هستیم که اتاق‌های تنگ و تاریک و تودرتو دارد و به نظر می‌رسد که احتمالاً کارکردی به عنوان زندان و یا سیاه‌چال داشته است.

۲. ارگ حکومتی: کارکرد دیگر قلاع، که در متون نیز ذکر شده، محل استقرار حکام و خانواده‌هایشان، دیوانیان و مابقی خدم و حشمشان است. برای مثال بیرونی در هنگام سخن راندن در مورد فیر قسمت شاه‌نشین آن سخن به میان آورده و می‌گوید آنجا کاخ سلطنتی بوده است (بیرونی، ۱۳۶۳: ۵۷).

در قهستان نیز با توجه به آثار مکتوب که در بررسی‌های باستان‌شناسی نیز به اثبات رسیده، قلاعی همچون مؤمن‌آباد و قاین به عنوان مرکز سیاسی اداری طبقه‌ی حاکم اسماعیلیان قهستان مورد استفاده قرار گرفته‌اند. برای مثال در قلعه‌ی قاین پس از بررسی و طبقه‌بندی انجام گرفته بر روی مواد فرهنگی آن به ویژه سفال، به خوبی می‌توان به این مهم پی برد. زیرا ساکنان این قلعه بر خلاف قلاع دیگر، با توجه به سفال‌های مکشوف که از کیفیت خوبی برخوردار است؛ دارای شرایط رفاهی خوبی بوده‌اند. همچنین در این قلعه، سفال‌های زرین‌فام

مشاهده شده که حاکی از حضور طبقه‌های مرفه و احتمالاً حاکم در قلعه است. ویژگی‌های معماری قلعه نیز موید این مطلب است.

۳. خزانه‌ی حکومتی: یکی دیگر از کارکردهای مهم قلاع در گذشته، محل نگهداری ذخائر مالی و نیز تسلیحات نظامی بوده است. استحکام قلاع و دسترسی بسیار مشکل به برخی از آنها و پیش بینی بحران‌های احتمالی از عمده‌ترین دلایل نهادن خزائن در قلاع بوده است (خلعتبری، ۱۳۸۲: ۳۹). در تأیید این مطلب می‌توان به گفته‌ی بلاذری که از افتادن خزانه‌ی نخجیرجان در دژ آن دیار به دست اعراب سخن می‌گوید، استناد کرد (بلاذری، ۱۳۶۴: ۳۷۳). مؤلف حدود العالم نیز محل اختفای خزائن ناحیه‌ی ارمنیه و آران را بر بالای کوهی بلند و بسیار صعب‌العبور و در میان قلعه‌ای به نام ینال معرفی می‌کند (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۴۲۸-۴۳۲). این ویژگی می‌توانسته تأثیرات چشمگیری در پلان و خصوصیات ظاهری قلاع ایجاد کرده باشد. بنا بر این محققان باید قبل از بررسی و کاوش میدانی در یک قلعه، به بررسی دقیق و موشکافانه در متون و منابع مربوط بپردازند تا شاید از این رهگذر بتوانند از اشتباهات احتمالی در تحلیل‌های خود اجتناب کنند. لازم به ذکر است که در مطالعه‌ی متون و همچنین در بررسی‌های میدانی قلاع اسماعیلیه، شاهدی مبنی بر اینکه قلاع مذکور، خزانه و یا محل نگهداری سلاح بوده، به دست نیامد.

۴. پناهگاه مخالفان و یاغیان: کارکرد دیگر قلاع، استفاده‌ی مخالفان حکومتی و یاغیان از آنها در دوره‌های مختلف است. بسیاری از مدعیان قدرت و مخالفان حکومت‌های وقت، بخش اعظم فعالیت‌های مبارزاتی خود را از درون قلاع پیگیری می‌کردند. برای مثال می‌توان به قلعه بزد و قلعه سنم اشاره کرد که از آنها به عنوان محلی برای مخالفت و استقرار مخالفان خلیفه استفاده شده است (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۳۲۲) و (خلعتبری، ۱۳۸۲: ۴۸-۴۹). ابن بلخی نیز به قلعه‌ای در جهرم فارس اشاره می‌کند که توسط خرشه از کارگزاران عصر اموی ساخته شده است. وی پس از ساخت آن، عصیان و نافرمانی پیشه کرده و آن را کانونی برای مخالفت قرار می‌دهد (ابن بلخی، ۱۹۶). البته این کارکرد برای بسیاری از قلاع اسماعیلیه در منطقه‌ی قهستان و نواحی شمالی ایران بسیار شایان توجه و اثبات شده است؛ چون به شهادت تاریخ، اسماعیلیان با پناه گرفتن در استحکامات و قلاع مشهور ناحیه دیلمان همچون الموت، لمبسر و میمون دژ و نیز قلاع استوار و حصین ناحیه‌ی قهستان مثل مؤمن آباد و قاین و شاهدژ به قدرت و شکوه دست یافتند.

۵. پناهگاه مردمی: قلاع در طول تاریخ و در بسیاری از بحران‌های سیاسی- اجتماعی به عنوان پناهگاهی امن مورد توجه عامه‌ی مردم بوده و چه بسا به عنوان آخرین مکان فرار، مورد استفاده قرار گرفته‌اند (خلعتبری، ۱۳۸۲: ۴۹؛ اشپولر، ۱۳۷۳: ۳۹۰). به همین دلیل در بسیاری از قلاع، شاهد ساخت قسمت‌هایی برای استقرار مردم عادی در روزهای بحرانی هستیم. به طور کلی درون باروی اصلی دژهای کوهستانی، اتاق‌های متعددی بنا می‌شد، که البته بسیاری از آنها اختصاص به دژنشینان و خانواده‌های آنها داشته است (خلعتبری، ۱۳۸۲: ۴۹). در یکی از قلاع مورد مطالعه در این مقاله یعنی قلعه شاهدژ نهبندان این ویژگی کاملاً به چشم می‌خورد. در آن دژ، تعداد زیادی اتاق چهارگوش برای مردم عادی و خانواده‌های دژنشینان بنا شده

است. علاوه بر آثار معماری و باستانی باقی مانده، در منابع تاریخی نیز این مطلب، ثبت شده است؛ چنانچه مؤلف تاریخ سیستان گزارش می‌دهد بعد از هجوم مغولان به ایران و سیستان، مردم رغبت زیادی در تعمیر قلاع و سکونت‌گزینی در آن پیدا کردند (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۳۷۱). با توجه به تأمین امنیت دژنشینان در قلاع کوهستانی، همزمان با حمله‌ی مغولان به خصوص در دور اول، شاهد پناهنده شدن بسیاری از مردم، علما، بزرگان و سیاسیون به قلاع هستیم و بزرگانی همچون خواجه نصیر طوسی نیز در قلاع اسماعیلی به سر می‌بردند. در یکی از موارد نسوی، سرگردانی مردم را در نتیجه‌ی حمله مغول و سرازیر شدن آنان را به قلاع به خوبی به تصویر می‌کشد (نسوی، ۱۳۶۵: ۸۰). آن اوضاع و احوال، چنان ترس و وحشتی در دل مردم افکنده بود که سلطان محمد خوارزمشاه مردم را به سکونت در قلاع و استحکامات آن تشویق می‌کرده است (جویی، ۲/۱۳۷۸: ۱۰۹).

۶. تأمین امنیت شهرها و جاده‌ها: از عوامل مهم احداث قلاع، به ویژه دژهای کوهستانی، اشراف و تسلط آنها بر شهرها به خصوص راه‌های ارتباطی است. به همین منظور تعدادی از قلاع در امتداد راه‌های مواصلاتی و برای تأمین امنیت راه‌های مهم ارتباطی یا در صورت نیاز استقرار قوای نظامی، بنا شده‌اند. برای مثال معصم عباسی در جریان سرکوب بابک، دستور اعزام سپاهی به ناحیه اردبیل داده تا با استقرار در قلاع، از تعرض خرم دینان به کاروان‌ها جلوگیری کنند (حموی، ۱۱/۱۳۸۰: ۸۱-۸۰). ابن اثیر نیز از ساخت قلاعی برای حفاظت و تأمین امنیت راه‌ها توسط معزالدوله خبر می‌دهد (ابن اثیر، ۹۹). یعقوبی نیز از وجود تعدادی دژ در مسیر سرخس به مرو یاد می‌کند که با هدف حراست از کاروانیان و راه‌ها ساخته شده بودند (یعقوبی، ۲۷۹). اتفاقاً این کارکرد، به ویژه تسلط بر جاده‌ها از مهم‌ترین عوامل ساخت و شکل‌یابی قلاع اسماعیلیان در قهستان است.

۷. دفاع از مرزها: از کارکردهای اساسی استحکامات دفاعی همچون قلاع و باروها، دفاع از مرزها بوده است. قلاع مرزی، متناسب با شرایط جغرافیایی در کوهستان‌ها، یا در قلب شهرهای مرزی و حتی در دشت‌ها احداث می‌شدند. از آنجایی که بیشتر تهاجمات خارجی به ایران از سرحدات شرقی و غربی به دست قبایل چادرنشین آسیای میانه و حکومت‌های یکجا نشین غربی صورت گرفته، بیشترین استحکامات مرزی نیز در این ثغور بنا شده‌اند.

سامانیان که در سرحدات شمالی و شرقی، همواره با هجوم قبایل ترک مواجه بودند، برای بنای استحکامات در ماوراءالنهر و خراسان تلاش بسیار کردند؛ تا جایی که گاه تعداد قلاع در برخی از نواحی این دو ولایت، افزون بر صدها قلعه ذکر شده است و طبیعی است که برخی از آنها مورد استفاده‌ی اسماعیلیان قرار گرفته باشد؛ به ویژه اگر توجه داشته باشیم که بسیاری از قلاع مورد استفاده‌ی اسماعیلیان، توسط خودشان احداث نشده است.

به هر حال کارکردهای گوناگون قلعه‌ها سبب شد تا حکام برای ساختن و ترمیم قلاع، همواره تلاش کنند. مؤلف دستورالوزرا این وظایف را به عنوان یکی از مهم‌ترین عملکردهای وزیر ذکر می‌کند: پوشیده نماند که تحصین قلاع و بقاع، آیین عدت و شوکت پادشاهی الا به وزیر با تدبیر نباشد (اصفهانی، ۱۳۶۴: ۷۱).

نتیجه

قهبستان در دوره‌ی اسلامی ارزش و اعتباری ویژه پیدا می‌کند و شاهد شکل‌گیری چندین نهضت و شورش همچون قیام قارن و به‌آفرید است که منجر به درگیری‌ها و نبردهایی در آنجا می‌شود. خوارج سیستانی که به سبب ویژگی‌های اقلیمی، قهبستان را به عنوان دارالهجره انتخاب نموده و قدرت را در آنجا در دست گرفته بودند، از قهبستان به عنوان پایگاهی برای حمله به خراسان یا سیستان و یا به عنوان پناهگاهی برای شکست‌خوردگان نبردها استفاده می‌کردند (خالدیان، ۱۳۸۹: ۱۱).

ناآرامی‌ها، جنگ‌ها و شورش‌هایی که در طول تاریخ قهبستان روی داده، همراه با موقعیت اقلیمی و سوق‌الجیشی آن تا حد زیادی زمینه‌ی مناسب را برای ساخت قلاع، فراهم و صرف و مرمت دوباره‌ی آنها را در دوره‌های مختلف توجیه پذیر نموده است. بنا بر این یکی از اهداف مهم ساخت قلاع قهبستان، استفاده از آنها به عنوان پایگاه‌های نظامی بوده است (تصویر شماره ۹). این عامل همراه با انزوای سیاسی قهبستان و مسئله‌ی راه، مهم‌ترین علل شکل‌گیری، تسخیر، مرمت و احیای قلاع قهبستان محسوب می‌شوند.

در این مقاله برای اثبات نقش کلیدی عامل راه در ساخت، تصرف و بازسازی دژهای قهبستان، با استفاده از داده‌های حاصل از مطالعات تاریخی و جغرافیای تاریخی و همچنین داده‌های حاصل از بررسی باستان‌شناختی، به رسم جاده‌های احتمالی قهبستان بر اساس متون و سفرنامه‌ها پرداخته و سپس با جاگذاری نقاط GPS قلاع، مشخص شد که اکثر آنها در کنار راه‌ها قرار گرفته‌اند؛ ضمن آنکه الگوی گسترش قلاع نیز با راه‌ها مطابقت کامل دارد (تصویر شماره ۲ و ۱۱).

البته عوامل دیگر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و صنعتی نیز که از لحاظ اهمیت در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند در این زمینه نقش داشته‌اند؛ که یکی از آنها عامل «حمایت و پشتیبانی» بوده است. بدین معنی که یکی از علل مهم برپایی برخی از دژها، پشتیبانی و محافظت آنها از یک موضوع کلیدی و یا فعالیت راهبردی مثلاً در زمینه‌های اقتصادی و فناوری بوده است؛ مانند تأمین امنیت معادن و استخراج و صدور مواد و محصولات آنها که از جهات اقتصادی و صنعتی، اهمیت راهبردی داشته است. به عنوان نمونه یکی از قلاع مورد بررسی در قهبستان، قلعه‌ی زری است که در کنار راه قرار نگرفته بلکه در کنار معدن مس واقع شده است.

نکته دیگر انتساب بعضی از قلاع قهبستان به فرقه و یا دوره‌ای خاص است و اینکه تمامی قلاع کوهستانی این منطقه را متعلق به اسماعیلیان می‌دانند و در گاهنگاری آنها نیز از واژه اسماعیلی استفاده می‌کنند؛ در صورتی که چنین نسبتی با توجه به نکات زیر به هیچ عنوان صحیح نمی‌باشد:

۱. در بررسی میدانی قلاع مذکور، هیچ داده‌ای در تأیید این مطلب به دست نیامد.

۲. جز چند مورد که در متون به تصرف قلاع این منطقه توسط اسماعیلیان اشاره شده، صحبتی از ساخت آنها مطرح نشده است.

۳. داده‌های سفالی حاصل از بررسی‌های میدانی قلاع مذکور، نشانگر استفاده از یک قلعه در چند برهه‌ی زمانی مختلف است. بسیاری از دژها نیز دارای قدمتی متأخرترند و تنها چون جزو قلاع کوهستانی و صعب‌العبور هستند به دوره‌ی اسماعیلیه منسوب گشته‌اند. خود این امر بر کارکردهای متنوع قلاع مذکور

دلالت می‌کند و لذا حکومت‌های پس از اسماعیلیان نیز به جهت اهمیت و کارکردهای متعدد، مجبور به مرمت مجدد و یا ساخت تعدادی از آنها شده‌اند؛ زیرا قلاع برخی از نیازهای انسان را پاسخ می‌دهند و در هر دوره‌ای قابل استفاده‌اند و لذا نمی‌توانند در انحصار گروه یا فرقه‌ی خاصی باشند. برای مثال در بررسی قلعه‌ی قاین مشخص شد که پس از استفاده در دوره‌ی سلجوقی، مجدداً در دوره‌ی تیموری، ضمن تغییر و تحولاتی که در آن صورت گرفته، مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. در دوره‌ی تیموری، از برخی قسمت‌های قدیمی، دیگر استفاده نشده ولی در عوض بخش‌های جدیدی به آن اضافه گردیده است؛ که در متون نیز به استفاده‌های بعدی اشاره شده است (خالدیان، ۱۳۸۹: ۵۸) (تصویر شماره ۱۰). بنا براین با توجه به شرایط تاریخی قهستان، بسیاری از قلاع آنجا قبل از اسماعیلیان وجود داشته ولی توسط آنان تسخیر و سپس بازسازی شده‌اند و یا همانند قلعه‌ی الموت سعی در استحکام‌بخشی و غنی کردن منابع ذخیره‌ای آنها گردیده است (تصویر شماره ۱۲). از جمله‌ی دلایل این امر، قلعه‌گیری اسماعیلیان هنگام ورود به منطقه است. آنها هر قلعه‌ای را که می‌توانستند تسخیر و سپس سعی در بازسازی آن می‌نمودند.

منابع:

- ابن اثیر. عزالدین علی (۱۳۵۵) *تاریخ کامل*، ترجمه ابوالقاسم حالت، مجموعه ۲۷ جلدی، تهران، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.
- ابن بلخی، *فارسنامه* (بی تا) به کوشش وحید دامغانی، تهران، موسسه مطبوعاتی فراهانی.
- ابن عبری، *مختصر تاریخ الدول*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- احمدیان شالچی، نسرين، «فتح خراسان به دست مسلمانان و استقرار آنان»، فصلنامه مشکوه شماره ۵۰، بهار ۱۳۷۵، صص ۱۴۹-۱۵۸.
- اصفهانی، محمود بن الحسین (۱۳۶۴) *دستورالوزرا*، تصحیح رضا انزابی نژاد، امیرکبیر، تهران.
- بلادری، احمد بن یحیی (۱۳۶۴) *فتوح البلدان*، ترجمه آذرتاش آذرنوش، سروش، تهران.
- بیهقی، خواجه ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۵۶) *تاریخ بیهقی*، تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، دانشگاه فردوسی، مشهد.
- پازوکی، ناصر، «بناهای دفاعی ایران»، میراث فرهنگی، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۷۴، صص ۵۷-۷۰.
- جوزجانی، منہاج السراج (۱۳۷۱) *طبقات ناصری*، تصحیح عبدالحی حبیبی، دنیای کتاب، تهران.
- جوینی، عطا ملک (۱۳۷۸) *تاریخ جهانگشای جوینی*، ج ۱، به سعی و اهتمام محمد بن عبدالوهاب قزوینی، انتشارات بامداد، تهران.
- حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله بن لطف الله (۱۳۷۰) *جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو*، اطلاعات، تهران.
- حافظ ابرو، مجمع التواریخ السلطانیه (۱۳۶۴) (قسمت خلفا علویه مغرب و مصر نزاریان و رفیقان از تاریخ حافظ ابرو)، به اهتمام محمد مدرس زنجانی، اطلاعات، تهران.
- حسینی، سید مهدی (۱۳۷۵) *بررسی اوضاع اجتماعی و اقتصادی قهستان در زمان اسماعیلیه و مغول*، پایان نامه دوره‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی تاریخ، گرایش ایران اسلامی، دانشگاه تهران، تهران. (هنوز منتشر نشده)
- حموی، شهاب الدین ابوعبدالله یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۰) *معجم البلدان*، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، معاونت پژوهشی، تهران.
- خالدیان، ستار (۱۳۸۹) *بررسی باستان‌شناختی قلاع قهستان (مطالعه موردی: قلاع جنوب قهستان)*، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته‌ی باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران. (منتشر نشده).
- خلعتبری، اللهیار و دیگران (۱۳۸۲) *کارکردها و نقش سیاسی و اجتماعی قلاع در تاریخ میانه ایران*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- دفتری، فرهاد (۱۳۷۵) *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ اول، نشر فرزاد روز.
- زرکوب شیرازی، ابوالعباس احمد بن ابی الخیر (۱۳۵۰) *شیرازنامه*، تصحیح بهمن کریمی، بی تا، تهران.
- سایکس، سرپرسی، *سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس* (۱۳۶۳) ترجمه حسین سعادت نوری، انتشارات لوحه، تهران.
- ستوده، منوچهر، «قلاع»، معماری ایران دوره‌ی اسلامی، به کوشش محمد یوسف کیانی، جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۶، صص ۴۸-۸۶.
- شجاعی، علی (۱۳۸۲) *بررسی باستان‌شناختی قلعه‌ی کمر مرج، شهرستان شهر بابک، استان کرمان*، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته‌ی باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران. (منتشر نشده).
- فخار، زرین (۱۳۷۸) *استحکامات و قلاع دفاعی در ایران دوره‌ی ساسانی*، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته‌ی باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران.
- فرقانی، محمد فاروق (۱۳۸۱) *تاریخ اسماعیلیان قهستان*، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
- کاشانی، جمال الدین عبدالله بن علی بن محمد (۱۳۶۶) *زبدۀ التواریخ*، به اهتمام تقی دانش پژوه، بی تا، تهران.
- لويس برنارد (۱۳۶۳) *تاریخ اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، توس، تهران.
- نسوی، سیرت جلال الدین مینکبرنی (۱۳۶۵) *تصحیح مجتبی مینوی*، علمی فرهنگی، تهران.
- هاجسن، مارشال گ. س. (۱۳۶۹) *فرقه‌ی اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، بی تا، تهران.
- ویلی، پیترو، (۱۳۸۶) *آشپانه عقاب قلعه‌های اسماعیلیه در ایران و سوریه*، مترجم فریدون بدره‌ای، نشر فرزاد روز، تهران.

تاریخ سیستان، مجهول مؤلف (۱۳۶۶) ناشر کلاله خاور، تهران.
حدود العالم، از مؤلف ناشناس (۱۳۶۲) به اهتمام دکتر منوچهر ستوده، طهوری، تهران.

تصاویر



نقشه شماره ۱: موقعیت قرارگیری قهستان در نقشه تقسیمات کشور



تصویر شماره ۳: نمایی از قلعه حسن آباد



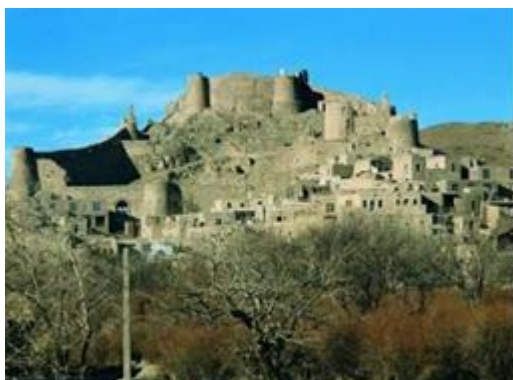
تصویر شماره ۲: نمایی از قلعه رقه



تصویر شماره ۵: نمایی از قلعه قاین



تصویر شماره ۴: نمایی از قلعه زری



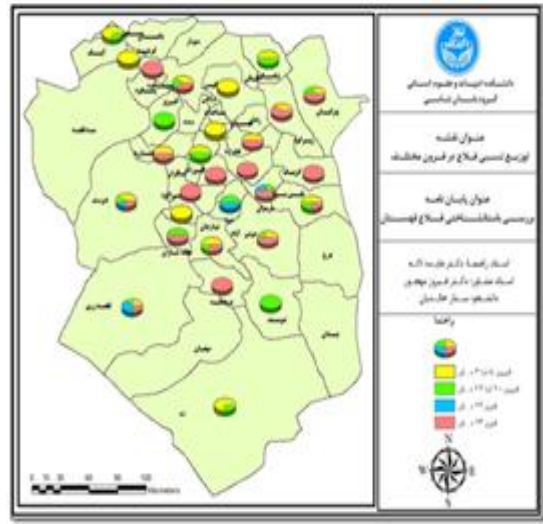
تصویر شماره ۷: قلعه فورگ



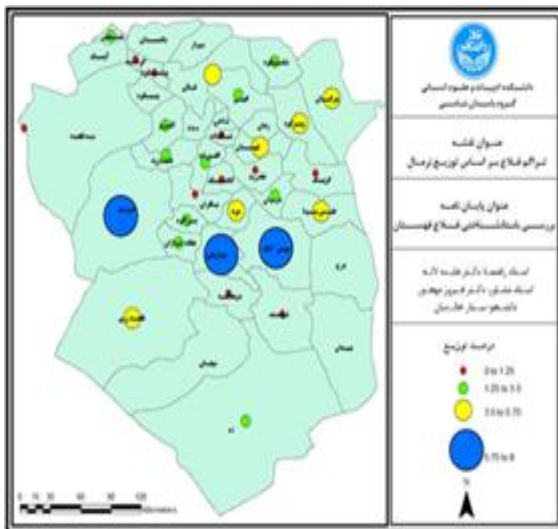
تصویر شماره ۶: نمایی از شهر بیرجند از بالای قلعه غلام کش



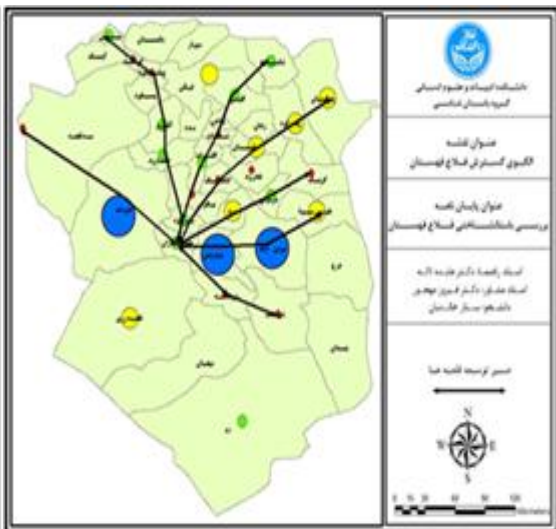
تصویر شماره ۹: پراکنش قلعه در منطقه مورد مطالعه



تصویر شماره ۸: توزیع نسبی قلعه در قرون مختلف



تصویر شماره ۱۱: تراکم قلعه بر اساس توزیع نرمال



تصویر شماره ۱۰: الگوی گسترش قلعه قهستان